

## بیانات در دیدار رئیس، مسئولان، اساتید، پژوهشگران و کارکنان مؤسسه‌ی دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث - 21 / خرداد / 1393

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایام سالگرد ولادت مبارک پرفیض حضرت بقیة الله ( ارواحنا فداه ) و تبرک ایام ماه مبارک شعبان به این ولادت بزرگ و مبارک را تبریک عرض میکنیم. ان شاء الله خداوند متعال، شما را، ما را جزو پیروان این بزرگوار قرار بدهد، جزو شیعیان این بزرگوار به حساب بیاورد. و تشکر میکنیم از جناب آقای ری شهری و همکاران عزیز و محترمشان به خاطر این هدیه‌ی ارزشمندی که به مناسبت این عید به جامعه‌ی اسلامی و جامعه‌ی علمی تحویل دادند؛ یعنی همین دانشنامه‌ی مهدویت، ( ۲ ) با این خصوصیات که ذکر کردند، که خصوصیات مهمی است. به نظر دیروز یا پریروز کتاب را آوردند و من فرصت کردم توری مختصری بکنم؛ به نظر کتاب برجسته و جالبی آمد. حالا ان شاء الله وقت میگذاریم و کتاب را اول تا آخر، ان شاء الله مطالعه خواهیم کرد. ولی کار، کار بسیار مهمی است؛ کار بزرگی است. عمده این است که ذهن متوجه یک نیاز و یک خلأ بشود و همت برای پر کردن این خلأ و برآوردن این نیاز برانگیخته شود. این کارها شده - طبعاً هیچ کاری هم از ما انسانها بدون نقص و قصور نیست - مهم این نیست که آیا این کتاب کامل است، یا جامع است، یا نقصی دارد یا ندارد؛ مهم این است که این کتاب هست؛ نیاز به آن احساس شد و همت برای تولید آن برانگیخته شد و بحمد الله متولد شد و به عرصه‌ی وجود آمد. من صمیمانه از ایشان و همکاران محترمشان تشکر میکنم.

یک جمله در باب این ایام مبارک و وجود عظیم و عزیز حضرت بقیة الله ( ارواحنا فداه ) عرض بکنیم؛ یک جمله هم در باب مجمع شما و پژوهشگاه شما و دارالحدیث بعداً عرض میکنم.

در مورد مسئله‌ی امام زمان ( سلام الله علیه ) شماها خوب کار کردید و تلاش کردید و احاطه‌ی به همه‌ی جوانب قضیه دارید؛ آنچه مهم است این است که اعتقاد به امام زمان یک بخشی از جهان بینی ادیان است؛ یعنی ادیان الهی همچنان که در جهان بینی عمومی خودشان نسبت به عالم، آدم، منشأ آفرینش و منتهای سیر حیات بشر - یعنی درباره‌ی مبدأ و معاد - نظر میدهند، یکی از بخشهای این جهان بینی - این مجموعه‌ی عظیمی که زیربنای همه‌ی افکار و تأملات و احکام و قوانین و مقررات ادیان است - عبارت است از مسئله‌ی نهایت سیر کاروان بشر در این دنیا. مسئله‌ی آن دنیا و آن نشئه، مسئله‌ی دیگری است؛ مسئله‌ی آخرت است. یک مسئله این است که بشریت دارد به کجا میرود. اگر ما جامعه‌ی بشری را در طول تاریخ به کاروانی تشبیه کنیم که دارد یک مسیری را میرود، [این] سؤال مطرح است که این کاروان به کجا میرود؟ مقصد این کاروان کجا است؟ منتها الیه این سیر کجا است؟ این یک سؤال جدی است؛ این باید در هر جهان بینی‌ای پاسخ داده بشود. ادیان به این پاسخ داده‌اند. پاسخهای نحله‌های فکری غیر دینی در این زمینه یکسان نیست، لکن پاسخ ادیان به این سؤال، تقریباً یکسان است؛ پاسخ مشخصی است. تا آنجایی که ادیان الهی و ادیانی را که رونویسی از ادیان الهی‌اند، می‌شناسیم - ولو خودشان هم الهی نباشند، اما پیدا است اصول و قواعد کار را از ادیان الهی گرفته‌اند - همه معتقدند که این کاروان در پایان، در آخر راه، به یک منزلگاه مطلوب و دلگشا و دلنشین خواهد رسید. خصوصیت عمده‌ی این مقصد هم «عدالت» است؛ عدالت، خواسته‌ی عمومی بشریت از اول تا امروز و تا آخر است. اینهایی که سعی میکنند در مبانی و تفکرات اصولی، معتقد به تنوع و تغییر و تحول و مانند اینها بشوند، این را نمیتوانند انکار کنند که خواسته‌ی بشریت از روز اول تا امروز چند خواسته است، که از جمله‌ی اساسی‌ترین آنها عدالت است؛ بشر دنبال عدالت [است]؛ هیچ وقت از این خواسته منصرف نشده است و در نهایت، این خواسته برآورده میشود، که در آثار ما [آمده]: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» ( ۳ ) - در اغلب متون «کما ملئت» [است]، در بعضی هم «بعدها ما ملئت» - این پاسخ همه‌ی ادیان است. در واقع هر فردی از آحاد بشر میداند که این سیر عمومی بشر به کجا منتهی خواهد شد. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این جور باید بگوییم که یک مسافری یا یک کاروانی از پیچ و خم‌های دشوار، از معبرهای سخت، از

کوهستانها، از وادی‌ها، از درّه‌ها، از لجن‌زارها، از خارزارها، همین‌طور دارد عبور میکند، راه را میپیماید، برای اینکه خودش را به یک نقطه‌ای برساند؛ این نقطه کجا است؟ این نقطه عبارت است از یک اتوبان، یک جاده‌ی مهم، یک جاده‌ی باز، یک راه هموار. همه‌ی آنچه در تاریخ بشر تا امروز مشاهده میکنیم، حرکت در همان کوره‌راه‌ها و در همان فرازونشیب‌ها و در همان خارستانها و لجن‌زارها و مانند اینها بوده است؛ بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ «بشریت» را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را میرساند. البته این به معنای این نیست که در آن وقت طبیعت بشر تغییر پیدا میکند؛ نه، طبیعت بشر، طبیعت ستیزه‌ی درونی و درگیری درونی میان خیر و شر است. عقل انسان هست، طبع انسان هم هست؛ غرایز انسان احکامی دارند، کششهایی دارند، تمایلات طبیعی انسان کار خودشان را میکنند، عقل هم کار خود را میکند؛ این تنازع در آن دوران هم وجود خواهد داشت. این جور نیست که در آن دوران، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جاده، جاده‌ای است که مساعد خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است. و این قطعی است. و توفیقاتی که بشر در اثنای راه پیدا کرده است، مؤید این معنا برای ذهن انسان شکاک است که آنچه وعده داده شده، تحقق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به نظر من آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد؛ وَ اَوْحَيْنَا اِلَىٰ اُمِّ مُوسَىٰ اَنْ اَرْضِعِيْهِ فَاِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ فَالْقِيْهِ فِي الْيَمِّ ... اِنَّا رَاٰوْهُ اِلَيْكَ وَ جَاعِلُوْهُ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ؛ (۴) [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جاعلوه من المرسلین» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دوّم را هم داد - جَاعِلُوْهُ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ - یعنی این را ما از طرف خودمان می‌فرستیم، و او را همان مرّسلی قرار میدهیم که بنا است آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «اِنَّا رَاٰوْهُ اِلَيْكَ» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزعلی متأسّفانه نخواند - می‌فرماید: فَرَدَدْنَاهُ اِلَىٰ اُمِّهِ كِي تَقْرَّ عَيْنُهَا وَ لَا تَحْزَنَ وَ لِيَتَعْلَمَ اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ؛ (۵) اینکه ما بچه را به مادر برگرداندیم، خب بله، «تَقْرَّ عَيْنُهَا» دارد، «وَ لَا تَحْزَنَ» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «وَ لِيَتَعْلَمَ اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم منجی را می‌فرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه‌ی بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبّری از تحقق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه از موقّعیّت‌ها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبیرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصوّر آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم بشدّت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصوّری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این جوری میشود، مگر از طُرُق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را

نشان نمیداد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.

باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایان راه کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیه‌ی انتظار و روحیه‌ی ارتباط با ولی‌عصر ( ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان (سلام الله علیه) این است و امیدواریم که خدای متعال ما را به معنای واقعی کلمه از منتظران قرار بدهد و چشم ما را به تحقق این وعده‌ی الهی روشن کند.

در مورد مجموعه‌ی کارهایی که شما برادران و خواهران عزیز تحت مدیریت جناب آقای ری شهری در این سالها انجام دادید، من حقیقتاً بایستی تشکر بکنم. کارهای بسیار خوبی انجام گرفته، کارهای نویی انجام گرفته. مهم این است که ذهنها فعال بشود برای شناختن نقاط خلأ؛ و خود این، هنر بزرگی است؛ مسئله‌یابی، هنر مهمی است: انسان نگاه کند، موارد خلأ را پیدا کند. این مجموعه‌ی شما خوشبختانه آزمون خوبی را در این زمینه گذرانده است؛ موارد خلأ را پیدا کرده و بر این همت گماشته است که اینها را پر بکند.

مسئله‌ی قرآن و حدیث بسیار مسئله‌ی مهمی است. در همین موضوع مهدویت و قضایای مربوط به امام زمان - مسئله‌ی انتظار، مسئله‌ی طول عمر، مسئله‌ی دوران حکومت، مسئله‌ی وظایفی که منتظرین دارند، و مسائل گوناگونی که وجود دارد - بهترین مرجع عبارت است از حدیث و آنچه از خود ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده، که جای تردیدی را باقی نمیگذارد و این مهم‌ترین مطلب است. همین‌طور که آقای ری شهری اشاره کردند، بنده هم به این معنا معتقدم که شواهد عقلی و اعتباری به‌عنوان مؤید میتوانند به کار بروند، [اما] آنچه تعیین‌کننده و قاطع است، منابع روایی و حدیثی و قرآنی است که به اینها بایستی تکیه کرد، از اینها باید استفاده کرد. البته باید تنقیح (۶) بشود؛ به حرفهای سست نباید اعتماد کرد. حرف قرص کم نداریم؛ حرفهای قوی، محکم و بنیادهای فکری مستحکم بحمدالله در این زمینه خیلی زیاد است و میتوان به اینها تکیه کرد و از اینها استفاده کرد.

از خداوند متعال مسئلت میکنیم که شما را موفق بدارد. و مجدداً تشکر میکنیم از اینکه این هدیه‌ی باارزش را در ایام این عید مبارک به جامعه‌ی اسلامی تحویل دادید و جامعه‌ی فکری و معرفتی کشور ان شاءالله بهره‌ی کامل را از این عیدی‌ای که شما دادید خواهد برد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) پیش از دیدار، معظم‌له از نمایشگاه تولیدات علمی و پژوهشی مؤسسه‌ی دارالحدیث بازدید کردند. آیت‌الله محمد محمدی‌ری شهری (رئیس مؤسسه) در جلسه حضور داشتند.

(۲) در جریان بازدید از نمایشگاه تولیدات علمی و پژوهشی مؤسسه‌ی دارالحدیث، و در آستانه‌ی ولادت حضرت ولی‌عصر، از «دانشنامه‌ی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» رونمایی شد.

(۳) کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۵۶۷

(۴) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۷

(۵) همان، بخشی از آیه‌ی ۱۳

(۶) تصحیح